

[۱۷:۳۹ ۱۷، ۰۲، ۲۴] fatemeh ab,

[Forwarded from] اسکندر]

بسم الله الرحمن الرحيم

والليل اذا يسر....

(سوال) فدخلی فی عبادی...عبادش برمیگرده به فرشته ها و میتونن انسان ها باشن، چون اونا هم عباد هستن و اونجا اصلا معیته و همه یکی هستن و همش عباد و فنا است. محشور میشن باهم مثل مقام معیت بهشت برا همین ثواب فضیلتش محشور شدن با امامه، مثل کلاس با افراد مختلف در یک جایگاه....

سوره تین....

مقام بر ک نه برای پاداشه نه برای جزا، برای نیاز خودمونه، همه موقعیت خیر هستند و در موقعیت پله صعود هستن. آدمای لازم نیس برا هدایت کسی غصه بخوریم، نیاز به اصلاح دیگران نداریم چون همه اینا برخاسته از خودخواهی ماست و ما نباید با خود خواهی کاری بکنیم و انتظار تشکر داشته باشیم، معلم باید خالی از هوای نفس باشه و نمیتونه در صدد اصلاح در بیاد فقط میتونه پیشنهاد بده و نصیحت کنه، علمی به ایمان (باور و عمل) در صورتی نزدیک میشه ک علم قطعی باشه و انما باشه، بگوییم این است و غیر این نیس.

فصل هفتم کتاب تدبر تاثیر علم و ایمان بر صفات و برعکس گفته شده است.

جامعه و شرایط آن موقعیتی است برای ما، باید سعی شود از این موقعیت ها به نحو احسن استفاده شود

[۱۷:۳۹ ۱۷، ۰۲، ۲۴] fatemeh ab,

[Forwarded from] اسکندر]

روایات که ذیل فصل هفت گفته شده به ما یاد میدهد ک چطور هم تعلیم و تربیت داشته باشیم هم امر به معروف کنیم و هم در مقابلش توقعی نداشته باشیم ک در روایات به صورت عملی و کاربردی گفته شده است.

دستاورد سوره فجر در واقع اینه ک نیاز های جامعه نیاز های ماست و برای پیشرفت باید از این موقعیت ها استفاده کنیم و چون موقعیت فراهم میکند برش منت نگذاریم و احساس دین به کسی نداشته باشیم، در این سطح هر کاری رو برای کافر، مومن، بچه و... انجام دادیم داریم برا خودمون انجام میدیم و همون موقع اجرشو گرفتیم و در فصل هشتم کتاب تدبر هم هست این نکته ک عمل خودش جزاست، توفیق عمل خودش جزاست، توفیق کمک به مسکین خودش جزاست و باید جزا ببینیم، و الا اگر کسی نتونه جزارو ابنطوری ببینه همش جزاش نسیس، بهشت نسیه و.. و هیچ موقع بهش نمیرسه، همش نسیس، هر عمل خوبی خودش جزای عمل قبلیس و مقدمه برای جزای بعدیس این میشه لاله عاقبت الامور، یا ایها الانسان انه کادحا الی ربه کدحا فملاقیه، اینجوری آدم خدارو ملاقات میکنه، اما اگه ابنطوری نباشه..

عمل نخاد خودش پاداش باشه...

این اتفاق می افتد کار میکنه همیشه انتظار داره از بیرون چیزی بهش داده بشه در صورتی که خدا سیستم انسان را گذاشته یه علم و ادراک درون خودش ک به وسیله عمل این لوود میشه و میاد بالا و نباید از بیرون توقع پاداش داشت این هبا منصورا است و وزنی نداره عملش و ادراکی توش نیس و وزن رو باید همونی ک توش هست در نظر بگیریم همین الانم هس نه اینکه روز قیامت بهمون میدن، اینا اینا اشتباهات وارد به ذهن ماست. پس عمل اگر در جهت قرب الهی باشه و برای برطرف کردن نیاز باشه خود عمل علم میاره ک خدایا خدارو شکر ک این

علمه و تونستم به تو نزدیک بشم ک این جزای عمله ک خود عمله و منجر به عمل دیگه ای میشه، کسی ک توی زندگیش اینطوری عمل کنه سیستم عملش چرخه ای میشه و هر عمل خیری انجام بدهد حتما حتما کار خیر بعدی برایش مهیا میشود، و حتما کار خیر بعدتر فراهم میشود و اگر بالعکس شد بالعکس میرود.

سوال...یه کارایی ک یادمون میره مث نماز صب اینا غیر اختیاریه و خودش یه تلنگره ک یه جاهایی کم گذاشتی خطا داشتی انقد از این اتفاقا میفته تا به مقام مخلصین میرسه و به اخلاص میرسه و جوادش را جکش کاری میکنه و خالص میشه، سیستم خدا جالبه کارایی ک توی دنیا برامون انقد سخته مکانیسم تمحیسه یعنی پاکسازی و تخلیصه یعنی خالص سازی و این خودش سنگینه و باید بیای توی سیستم خیر و باید بهشت رو توی زمین به دست بیاریم تا بتونیم خدا رو راضیه مرضیه مشاهده کنیم و تا کسی نتونه خدا رو در زمین ببینه نمیتونه به نفس مطمئنه برسه. خیلی سخت نیس.. باید..

اول: بایستی هر موقعیتی فراهم شد نیاز خودتون بدونید و به دیگری منت نگذارید. اگه همین یه دونه کار در فجر درس بشه انسان به نفس مطمئنه میرسه. انسان فاذا مبتلاه و نعمه و اکرمه و ... همه موقعیت هایی است ک توی زندگی منجر میشه من به تکامل برسم

fatemeh ab, [۲۴, ۰۲, ۱۷ ۱۷:۳۹]

[Forwarded from اسکندر]

میگه خدا به وسیله این نعمت منو اکرام کرده و این وسیله آزمایش منه، قدر علیه رزقه میگذره میخاد دومرتبه منو امتحان کنه و باید ببینم چیکار باید بکم ، اینا منو به تکامل میرسونه، انسان اگر در دامنه اعمال خیر وارد شود رزقش هیچگاه قطع نمی شود، رزق انسان اون رضایت و تکامل انسان است و این تنگ نمی شود. در هر حالتی ابتدایی هست و در هر ابتلا زمینه ای برای رشد انسان و شکوفا شدنش هست و مسیر هر انسانی سختی داره.. یا ایها الانسان انه کادحا الی ربک... کدح داره.. لقد خلقنا الانسان فی کبد... کسی ک مالم داره برایش ساده نیس و استفاده از نعمت ها هم مسئولیت داره و اونم اضطرار های مربوط به خودشو داره..

علت عذاب و علت غیر عذاب ساختار علمی و فکری انسان است که به وسیله اعمال خیر توسعه پیدا میکنه و یا با اعمال شر تنگ میشود.. لیس ضلام للعبید... مشکلات بهانه ای است برای رجوع به اسما و صفت الهی ، به این سیستم میگن بهشتی سیستمی ک رضایت مندی از خدا اسمش هست فدخلی فی عبادی فدخلی جنتی... سیستم در همه وجو دارد و جایی نمیخاد دنبالش بگردین، هر کی توی وجودش هس و فقط باید پیدا کنه.. راه پیدا کردنش سوره تین...

سوره تین....

آنچه گفته شد بیان عامیانه سوره تین بود چون انسان احسن تقویم داره و احسن تقویمش اینطوری بود که طبق اون یه ساختار برنامه و دین پیدا میکنه و حالا اگر این برنامه با ایمان و عمل صالح همراه بشه به اجر غیر ممنون میرسه یعنی غیر مقطوع و تصاعدی میره بالا ولی سیستم باید داشته باشه،

سوال...مواجهه با مشکل به دو صورت میاد حالا یا انسان خودش مقصر بوده یا نبوده ولی این مشکل الان به صورت ابتلاست برای انسان و نوع برخورد مهمه و علت آن فقط برای محاسبه نفس کاربرد داره و دلیل آن هرچه باشد نیاز به احسن عمل دارد در برخورد...

ما مشکلمون اینه ک فلسفه بافی داریم میگی مشکل داریم چون خدا دوسمون نداره یا میگی سیل اومده چهار نفر دارن غرق میشن ولی ما میگی علت سیل قطع درختان و.. بودا تو نباید الان دنبال علت باشی باید اون چهار نفری ک دارن غرق میشن رو نجات بدی.. ما جایی ک باید ارتباط بدیم ارتباط نمیدیم و جایی ک لازم نیس میدیم.. در واقع هر اتفاق ثمره اعمال خود انسان است و باید بهترین عمل را داشته باشه چون

زمینه خیر بوده برای انسان تا از این دنیا بره... ، عمل انسان وموقعیت انسان ثمره اعمال خود انسان است مثل پیامبران و اصحاب عاشورا و...
پاداش عمل آنها رسیدن به این اعمالشان بوده ک ناشی از علمیه ک دارن علم به خدا و سیستم خدا.

عصر.....

fatemeh ab, [۲۴, ۰۲, ۱۷ ۱۷:۳۹]

[Forwarded from اسکندر]

عصر...

سوره های مبارکه فجر و تین و عصر چه نکاتی به دست می آید؟!!

سوره عصر گفته انسان در خسرانه و باید تحمل ناگواری هارو داشته باشه بعد سوره فجر یکسری توضیحات داده که انسان به تحمل ناگواری ها برسه... نعمت ک داده میشه و نمیشه همه آزمایشه و انسانی ک این رو بفهمه تحملش زیاد میشه و در نهایت در سوره تین گفته انسان در شرایطی خلق شده ک به نیک بختی جاودانه دست پیدا کنه.. کسی ک سوره فجر رو بخونه باعصر به نیک بختی جاودانه دست پیدا میکنه و نفس مطمئنه داره..

تواصی به حق و صبر سوره عصر و اجر غیر ممنون سوره تین در سوره فجر باز شده یعنی عملیاتیش در سوره فجره با بیان یتیم و فقیر و..

عصر سوره فجر همون نفس مطمئنه است و اینا اجر غیر ممنون هست.

سه سوره طبیعت انسان را در قالب یک ظرف خالی بیان میکند و سیر چگونه پر شدن آن را شرح می دهد مثلا پله اول ایمان و عمل صالح عصره بعد اکرام یتیم سوره فجره تا برسیم به نفس مطمئنه

عصر بحث لفی خسر و سوره تین بحث احسن تقویم و اسفل سافلین و سوره فجر بحث الانسانش سیر رشد انسان را بیان کرده است ،طبیعت و تکامل....

در سوره تین بحث احسن تقویم بوده و در سوره فجر بحث نعمت ک امکانی هست ک مسیر حرکت موجود رو تعیین میکند ، حالا استفاده درست از این نعمت انسان رو به صبر و استمرارش به شکر میرسونه شاید به تواصی به صبر عصر هم ربط پیدا کنه ک انسان به صبر و نهایتا به تواصی صبر هم میرسه ، البته در مورد صبر میگییم شرایط سخت هست ک از بک گراندش میفهمیم...

در سوره فجر چهار قسم و در سورا تین هم سه قسم و در عصرم ک قسم داریم ک به بحث الا الذین آمنو و عملو الصالحات آخر سوره ک مربوطه و برای رسیدن به عمل صالح است چه در عصر و تین و فجر که نفس مطمئنه را داریم، رابطه قسم ها..

یه معامله ای هست زندگی آدم ها ک از زندگی بالقوشون به الفعل برسن و از نفس حیوانیشون غلبه نفس ناطق قدسیه داشته باشن و اونموقع است ک دچار خسران نمیشن و روشش هم به اجمال در سوره عصر گفته و به تفصیل در سوره فجر که این بحث تواصی ک اجتماعی میکنه عمل صالح رو توی سوره فجر از طریق یتیم و... توضیح داده ،یعنی هم وجه معامله و سود و زیان و خسرانه هم مسیره اشو بیان کرده است

مریم جو، [۱۷.۰۲.۲۱.۵۲:۰۰]

بسم الله الرحمن الرحيم.

خوب ببینید شما تو سه تا سوره همانطور که خودتون هم گفتید یک سری امکاناتی و یک سری شرایط طبیعی تکاملی اس که هر کدام هم از یک منظره ای این رو مطرح کردند. خود اینکه بتونیم اینها رو متقابل هم بکنیم از توش خیلی حرف در میاد شما فرض بگیرید در این قسمت فرمودید سوره ی تین از خلقت انسان در احسن تقویم اشاره میکنه و طبیعت انسان را ب افسل فاسلین. در سوره عصر همین..(من باب رضا یک ایکسی کرده)نمیدونیم چیه فقط میدونیم ک یک شرایطه و یک امکاناته ومن باب شرایطه.ولی اینجا میدونید افسل فاسلینش همون خسرانه و خروجی اش رو هم میدونید عمل صالحه از رابطه بین اینها میتونید بفهمید ک لابد میتونه .ما ب ازای عصر باشه یعنی عصر میشه یک امکانات مثل احسن تقویم ، از تقابل این میتونید این رو در بیارید بعد اینکه شما در شرح سوره عصر بتونید عصر رو ب عنوان احسن تقویم رو ب ذهنتون بیارید .این خودش فضای سوره عصر و سوره تین رو دگرگون میکنه.یعنی چی؟ یعنی عصر رو میبرید تو سوره تین ، میتونید بگید لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ، احسن تقویم یعنی چی؟ یعنی یک جایی که امکان عصاره گیری وجود داره. اینجا میتونید این قسمت رو با سوره عصر بخونید و مفهوم احسن تقویم رو در بیارید اینجا ک میاید والعصر میگه که اون احسن تقویم که تو سوره تین گفته شد ک لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم اینه که احسن تقویم شرایطش تو احسن تقویم بودن اینه که ایمان و عمل صالح تو احسن تقویم نتیجه اش اینه که تو اوصی به صبر تو اوصی به حق رو داشته باشیم یعنی میتونیم از این وام بگیریم و وام بدید .سوره ها به هم قرض میدن.

مریم جو، [۲۱.۰۲.۱۷:۰۳:۰۱]

با هم داد و ستد میکنند سوره ها وقتی که میری سراغ این ، این میدان به شما وقتی که میری سراغ این، این میدان ،اسمش رو میازند مظاهره، ظهر به ظهر اند، دقیقا برای فجر شما میبینید که اینجا ایمان و عمل صالح رو یک نتیجه گفته، نفس مطمئنه، راضیه ، مرضیه. اینجا اینطوری میتونیم بگیم که از حیث نتیجه عذاب است از حیث صفت انسان مبتلا است از حیث عمل و رفتار اون چهار تا است. یعنی اینجا یک مرتبه سوره فجر که میرسیم اینجا میرسه چون قدرت خارج شده ازونا،خسران شده عذاب از نظر اتفاقات در خلقتیعنی احسن تقویم چی شد که یهو شد اسفل سافلین؟یک سوال جدی تو سوره تین دلیل اونجاست، فساد توسط انسان تحقق پیدا میکنه، اکثره فیه الفساد، اینجا اسفل سافلین میشه فساد، احسن تقویم در میاد یعنی شرایطی است که انسان از حالت عذاب، از حالت طبیعتش و از عمل های نابخردانه اش دور بشود ، انسان شرایطی داره که میتونه، منظورم این بود که میتونیم با تقابل به سوره ها اینها رو، جالبش اینه که یک نکته ای که خیلی خیلی خیلی مهمه تصور شما اینه که اگر برسیم به سوره فجر و اینها باز بشه این بهتره ، یعنی در

مریم جو، [۲۱.۰۲.۱۷:۴۰:۰۱]

مثلا اسم فجر مفصل تره پس بهتره ، در صورتی که اینجوری نیست شما بعضی وقتا نیاز دارید که باز کنید گاهی وقت ها ببندید. در سوره عصر و سوره تین باید ببندند، احتیاج به بستن دارند. اگر نتونید باز و بسته کنید

مریم جو، [۲۴.۰۲.۱۷:۵۳:۱۲]

مثلا اسم فجر مفصل تره پس بهتره ، در صورتی که اینجوری نیست شما بعضی وقتا نیاز دارید که باز کنید گاهی وقت ها ببندید. در سوره فجر و عصر و سوره تین باید ببندند، احتیاج به بستن دارند. اگر نتونید باز و بسته کنید علم صورت نمیگیره ، یعنی این سوره فجره ، سوره فجر مطالب در لایه ی تفسیری تری مطرح شده ولی وقتی مطلب رو میازم تو مجموعه این و اسمش رو میازم خسر، بعد میشه مصداق زیان، مصداق زیان، مصداق زیان. یک اسلاید میازم خسر، ان الانسان لفی خسر یعنی وقتی لفی عذاب ، لفی طبیعتش و ...ولی وقتی سوره فجر میخونم بسم الله الرحمن الرحیم والفجر و لیل العشر دارم میخونم بلافاصله چون مطالب فرع فرعه و بازه الم تر کیف فعل ربک بالعاد ارم ذات

العماد بلافاصله سوره عصر میاد تو ذهنم والعصر ان الانسان لفی خسر، الم تر کیف فعل ربک بالعماد ارم ذات العماد ، میام از همین ایه ۷ رو تالیه ۱۷-۱۸ رو میبرم توی خسر در ذهنم جعلش میکنم اسمش رو میگن مهارتهای تجمیع، جمع کردن همانقدر ک انسان در تفکر و تعقلش احتیاج داره که فرع فرع بکنه احتیاج داره که اینها رو دسته بنده کلی تر بکنه و همه ی اینها رو بهش میگیم خسر، بگیم خسر یا نگیم خسر ، چه فرقی میکنه؟ حالا وقتی میرسیم به سوره عصر معلومه که برای مقابله با فساد ، عذاب ، این طبیعت ، و عمل احتیاج داریم به تواری به صبر و تواری به حق . برای هرکدوم از این اتفاقات که میوفته یک جنبه حقانیت هم داره. سوره ها بعضی وقتا مفصل باشه مطلوبه بعضی وقتا مختصر باشه مطلوبه ، مفصل باشه تفسیره مختصر باشه احکامه، البته در احکامش تفسیر هم هست. هیچ چیز در قران حالت اجمال نداره. حرفم اینه که هیچ ایه ای ادم اینطوری برداشت میکنه که سوره فجر نسبت به سوره عصر ریز تر است ، بعله از جهتی ریز تر است و کاربردی تر است اینجوری ادم احساس میکنه در صورتی که اینجوری نیست. حالا داستان اینه که من یک موقعی میگم که وسایلی که در کتابخونه یا محل کتابخونتون دارید رو بنویسید ، مثلا ده تا قلم میشه، خودکاره، جامدادیه و.. بعد این کاره چه دردتون میخوره؟ اگر کمبودی در اجزای کار داشته باشید مثلا یک کتابی کم داشته باشید، به اینها احتیاج دارید الان یک موقعی میگند که شما باید و یک کتابخونه ، کمبود ها رو بنویسید خودتون هم جزع اون قرار میدید، مثلا من حال کتاب خوندن ندارم ، کتاب ها به اندازه ی کافی نیست و جا کوچیکه و...

مریم جو، [۱۴:۰۵ ۲۴.۰۲.۱۷]

سوال من اینه که نسبت شما با کتابخونه تون به چه صورته؟ پس شما حالاتتون رو هم میارید توش . اینها به نسبت هم تغییر فاز میدهند اگه یک موقعی از شما خواستم که امکانات و تجهیزات کتابخونه تون رو تقویت کنید شما بلافاصله جزیی ها رو میبینید . قلم دارید یا نه؟ میاید روی تفسیر اما اگر گفتم موانع کتاب خواندن را بگوئید، شما نمیگید چون قلم ندارم پس کتاب نمیخونم ، احتیاجی به تفسیر که اینجا هست که چی بشه؟ مثلا میگه من حالشو ندارم ، حالا چرا حالشو ندارم؟ حالا ممکنه به چیزای دیگه برگردم، بستگی داره که سوال چجوری باشه، لذا هر موقعی که داده شد پس اخ جون تفسیر. یا اینجا وقتی جزیی گفته شد و سوره عصر که کلی گفته شد ، خوب اینکه ما نمیفهمیم چون اتفاقا این اومده در جواب این حالت ها رو بیان کرده نسبت به این نزدیک ترین حالت. بنابرین آیات به نسبت مفاهیم احکام و تفسیر پیدا میکنه. یعنی باز و بسته میشوند، هیچ ایه ای احکام خالی نیست هیچ ایه ای تفسیر خالی هم نیست. این تو سوره فصلت بیان میشود که مثلا نمودارهایی که کشیده شده مال اینه. شما در سوره فجر اومدید موانع پیش روی انسان و جامعه رو مطالعه کردید که یک سری دسته بندی های مختلفی داره از نظر اوقوام اینه از نظر انسان اینه از نظر شرایط اجتماعی اینه، از نظر صفات انسانی اینه، همینطوری اومدید فرع فرعی کردید. تو سوره عصر به این مجموعه میگه خوب ، جمعش میکنه و برای این یک راهکار در نظر میگیره یعنی دو راهکار ضربدر توان اینها میشوند. تواری به صبر و تواری به حق . شما برای اینکه جلوی فساد رو بگیرید باید تواری به صبر و حق کنید.

مریم جو، [۱۵:۵۷ ۲۴.۰۲.۱۷]

برای اینکه بتونیم انسان رو از این حالت خارج کنیم باید تواری به حق بکنید و تواری به حق به همین ترتیب. تا اینجا درست شد؟ ببینید اینکه تونسته یک سوره ای یک اسم برای این انتخاب بکنه برای همش بعد یک راه حل برای این بده که همه رو شامل بشه شما اسمش رو اجمال ضمن تفسیر میزاید . خوب این یک مدل تفسیره دیگه ، علمای ریاضی و اتحادها، اتحادها برای همه صدق میکنه، حالا جالبی اینه که تواری ب حق و صبر به عنوان درمان در نظر گرفته میشه، حالا شما میگید ما میخایم تواری کنیم و استمداد میکنیم از خود سوره تو خود سوره فجر تواری به صبر و حشش گفته شد. یعنی به صورت جزیی ضرب که میکنیم سوره فجر مثل یک نور افکن تمام فضای سوره رو با نور خودش نورانی میکنه ، یک ایه رو وقتی میخونید مثلا وقتی میشه اکرام یتیم ، یعنی توصیه به حق و توصیه به صبر میشه یعنی اینکه توصیه یعنی سفارش، ایجاد جریان ، یعنی شما فرض بگیرید اگر علمای شیعه کسانی که در ... شیعیان ما رو شما که دارید یتیم پروری میکنید ، اگر اون عالم شیعه ساختار علمش رو در یک بستر جریان سازی ای گذاشت مثل حضرت امام یا کسانی که حوزه علمیه درست میکنند ، اینو بهش

میگن توصیه به حق، اکرام یتیم با توصیه به حق یک معنی و یک کاربرد ویژه ادامه پیدا میکنه، شما برای تک تک اینها میتونید تواسی به حق داشته باشید و تواسی به صبر داشته باشید. بسیاری از کتابایی که علما نوشتند از قرن ۳-۴ به بعد از شیخ صدوق گرفته تا اینطرف، همه شون به یتیم های اهل بیت رو زیر پوشش گرفتند به ذهنش رسیده. شیخ صدوق ۴۰۰ تا اثر روایی داره فقط در هزار و اندی سال نزدیک امام زمانه یعنی به ذهنش رسیده که روایاتی که جمع میکنه موضوع بندی کنه.

مریم جو، [۱۶:۵۱ ۲۴۰۲۰۱۷]

در روایاتی که به شیخ صدوق ختم میشه یک روایت معتبره تقریباً، یعنی فقط کافیه در کتابای شیخ صدوق ذکر شده باشه، ببینید میخام بگم که تواسی به حق و اکرام یتیم رو باهم جمع کرده و تواسی اش برایش موضوعیت پیدا کرده حتی مصداق پیدا کرده، ایا سوره عصر سوره ای کلی است؟ نخیر. چرا کلی نیست؟ چون وقتی این تواسی به حق وقتی به این سوره ارجاع داده شد جزئی در اومد. به طرف گفتم کاری انجام بده که ماندگار بشه برای ایتم. هر سوره ای رو میتونیم باهم مقایسه کنیم. وقتی تو سوره تین اجر ممنون اومده و در سوره عصر نیومده یعنی الذین امنوا و عملوا الصالحات اونا تازه دو تا کار دیگم انجام میدن و معلوم میشه اجر ممنون داره و شامل حال اینها هم میشه یعنی والعصر الا الذین امنوا میشه اجر غیر ممنون. بعد که شما میرید واژه تواسی رو کار میکنید ببینید در تواسی توالی مهمه پس اجر ممنون هم که توش غیر مقطوع بود توش ارتباط داره نمیگیم یکی است ولی میتونیم بگیم تواسی به صبر و تواسی ب حق در حکم نتیجه است. هرکسی نمیتونه این کارو بکنه نتیجه یکسری اعمال است، از تقابل دو سوره چجوری اینو فهمیدیم؟ گفتم که الا الذین امنوا و عمل الصالحات درست؟ یک الا الذین با اون الا الذین از نظر مفهومی یکی اند. پس برای سوره عصر هم اجرشون غیر ممنوعه اما خوب اجر غیر ممنوع رو میگن اجر مقطوع. صورت استدلال، امنوا و عملوا الصالحات تواسی به صبر است و اجرشون غیر مقطوعه. این تواسی چیه؟ تواسی یعنی قرار دادن یک حقی در زنجیره ی توالی و غیر مقطوع، عه معنی تواسی شد نکنه این تواسی در حکم یک نتیجه باشه، یحتمله و قطعی نیست. ولی تو ذهنمون به عنوان یک فرض شکل میگیره تواسی یکمرتبه یک فضای نتیجه ای به ادم میده، یعنی چی؟ یعنی انسان اگر توانست به ایمان و عمل صالح دست پیدا کند به طور طبیعی به اجر غیر ممنوع از مصادیق این اجر غیر ممنوع تواسی به صبر و تواسی به حق است. حالا بعد میام تو سوره فجر رو هم همین کارو میکنم. اینجوری که افراد کار میکنند به تولید علم میرسن. بعد هر موقع که حرفشون رو یک جایی میزنند همه رنگ و روشن میبیره... قیاس داره ها یعنی وقتی شما نگاه میکنید ببینید که تک تکش با فرض احتمال یعنی کار ریاضیه. هر جاش که احتمال داره میگه احتاله و جایی که قطعیه میگن قطعیه. ما فرض میزاریم مثل برهان... یا برهان های دیگه. میگن قبول؟ میگن اره فرضش قبوله. خوب معنیش میکنیم.

مریم جو، [۱۷:۵۰ ۲۴۰۲۰۱۷]

جاشو عوض میکنیم و بده بستون میکنیم و نتیجه شو درمیاریم، اینکه میگن قران در قران تولید علم میکنه اینه و مربوط به این چیزایه دیگه و منظورش اینه. اگه سوره والعصر رو بدون تفکر و تعقل و کند و کاو عقلی بخونیم معلومه که از توش حکومت درنمیاد و چیزی در نمیاد، یک سوره ی کلیه، هیچی نگفته، حالا شما نمیتونید اون موقع بگید چرا این سوره سوره امیرالمومنینه. نمیتونید بگید این سوره سوره غدیره، شما اصلاً هیچکدوم ازینا رو نمیتونید بگید، غدیر خم هم چرا پیامبر تو غدیر خم این سوره رو خوندن و میتونستند یک سوره دیگه بخوندن. تواسی رو تعریف کلیش گفتم که ایجاد چارچوبه برای جریان یافتن حقی در جامعه. صفت هایی که تو قران اومده با هر صفت ادم خوبی همیشه بگیم این ادم خوبا اند پس بنابراین ادم خوبای این سوره ذی هجر این اند نفس مطمئنه هم بدل از الا الذین امنوا و عملوا الصالحات، باید دلیل مفهومی مستند به آیات و روایات داشته باشیم. انسان های خوب دارای مراتب اند اگر اینکار رو نکنیم مراتب گم میشن و اگه مراتب گم بشن راهکارها و تفسیر گم میشن پس بنابراین شما برای اینکه بتوانید جامعه رو تحت تاثیر قرار بدهید باید جامعه رو به سمت ذی هجر شدن ببرید. ذی هجر شدن میشه مقدمه درک حقایق، یعنی تا نتونید جامعه رو ذی هجر کنید تواسی جریان پیدا نمیکنه. این ذی هجر به معنی کسی

نیست که داره توامی میکنه به معنی بستر اون توامی است . اگر این کار رو نکنید چه اتفاقی میوفته؟ ذی هجری که تو سوره است یک مرتبه میاد بغل نفس مطمئنه قرار میگیره چون خوبه دیگه ، ذی هجر که ادم بدی نیست که خیلی از سوره ها اینطوری اند، سنگ بنا بستر و زمینه است یعنی اگر شما بخواهید جامعه ای رو به سمت تحول و خودشکوفایی ببرید سعی کنید که ذی هجر بشوند.

مریم جو، [۱۸:۱۹ ۲۴.۰۲.۱۷]

بستر توامی میشه ذی هجر یعنی اگر یک جامعه ای ،همین بحث مردم سالاری که میگن از ذی هجر درمیاد ،یعنی شما اگر نتونید مردم یک جامعه ای رو نسبت به حق خودشون و نسبت به دینداری تحریک کنید نمیتونید دین اجرا کنید. این ذی هجر رو بیارید بغل نفس مطمئنه چه اتفاقی میوفته؟گم میشه. ذی هجر به شان دیگری از عاقل اشاره میکنه. ذی هجر به معنی کسبه که محدوده ها رو تشخیص میده .شما مثلا اگه بخواید مردم مصر انقلاب بکنند باید مثلا ذی هجرشون بکنید یعنی بگید که ایا استکبار چیز خوبیه؟ سوال میکنیم. ذی هجر میاد محدوده ها رو شکوفا میکنه یعنی شما عامل دست نشاندۀ امریکا باشید چیز خوبیه؟ ازاین سوالات. محدوده تعیین میکنید و میگید من باید در روابطم اینطوری باشم. انسان ها اولین گام برای اصلاحشون ذی هجر شدنشونه یعنی اینکه برای اصلاح خودتون میگید ایا خوبه انسان همیشه حالشون متغیره؟ همینجوری شروع میکنید محدوده ها و چارچوب ها رو تعیین کردن، اینکه شش ضلعی باشه یا هشت ضلعی بستگی داره به برنامه رشدی ادم . مثلا شما یک بچه رو از همون بچگی میتونید ذی هجر بار بیارید با اینکه بعد عقلانی اش بالاتره ، ذی هجر بودنش از موقعیه که میتونه تفکر کنه خیلی تفاوت داره.این حرفی که میزنم چون شما وقتی دارید راجب عقل صحبت میکنید عقلانی ممکنه از سن ۱۳سالگی ایجاد بشه . ولی ذی هجر بودن اینجوری نیست ،دروغ بده دیگه اره ،بد بودن دروغ رو وجدان میکنه و بعد مرز بندی میکنه برا حرفاش . اینجوری این مکانیسم در سیستم تعلیم و تربیت اگر علمای تربیت خواستند تعقل را در جامعه گسترش بدهند باید مکانیسمشون ذی هجر باشه. یکی از راه های ذی هجر شدن تقویت مشاهده است. منتها مشاهده ی عبرت سنجی ، مشاهده انواع داره ، مشاهده ممکنه با چشم باشه، حس . ممکنه با عقل و شهود باشه. مشاهده میتونه حال رو مشاهده کنه، میتونه گذشته رو مشاهده کنه و میتونه آینده رو مشاهده کنه. حال رو وقتی میخاد مشاهده کنه قوانین رو مشاهده میکنه این همیشه مربوط به قواعدکه البته تو بعضی سوره ها این کار رو میکنه. سیستم خیلی از سوره ها اینطوره

مریم جو، [۱۸:۳۱ ۲۴.۰۲.۱۷]

چهار دسته میشه ، فاکتور های دیگه هم میشه بهش اضافه کرد. بحث سر ذی هجر است به بهانه ذی هجر دارم مشاهده رو میگم مشاهده ۴نوع است و ۳ محور داره، البته فاکتور های دیگه ای رو هم میشه بهش اضافه کرد ، وقتی که مشاهده حال میکنید یعنی قوانین و قوانین زمان نداره، بعضی ها تو محدوده عبرت است که میشه سوره یوسف ، بعضی هاشون که تو این قسمته که بهش میگن تدبیر که سوره روم میشه ، برای فعال شدن مشاهده عقلی، اگر مشاهده ای از خیال به سمت مشاهده عقلی سوق پیدا کنه و محور اون زمان گذشته باشد منتج میشود به فعال شدن هجر، ذی هجا. محدوده تعیین میکنه ، دلالتش میده به گذشته و حد ایجاد میکنه که به این میگن ذی هجر اگر کسی خواست ذی هجر تولید کنه، الان انقلابی که برای انقلاب مصر افتاده اینه، با دلالت دادن به اتفاقات قبلی اینها را ذی هجر میکند و این مدل قرانه که اسمش رو میزارن عبرت، الم تر به علاوه گذشتگان میشه فعال کردن هجر در انسان هرچایی که این ترکیب رو دیدید میتونید این حرف رو بزنید.

[فاطمه عبداللهی، [۲۰:۴۸ ۲۵.۰۲.۱۷]

آیات قران در مورد الم تری ها زیاد است الم تر الذین اخرجوا . الم تری ها زیاد است یکی از سیستم ها سیستم گذشته است . این ایه : اولم یروا ان الله الذی خلق سماوات و الارض قادر الا ان یخلق مثلهم و .. سوره اسرا ایه ۹۹

[فاطمه عبداللهی, ۲۰:۴۸ ۲۵.۰۲.۱۷]

ارتباط حجر و الم تری : حجر یعنی محدوده و محدوده دار بودن این با چی اتفاق می افتد؟ با تعیین مصادیق شکست و ناکامی... الم تری ها سه وضعیت دارند ۱